



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

شماره مجوز مجله : ۸۰۴۰۰

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۵/۸

## بررسی ابعاد گوناگون حق به شهر و شهر باز

کاوه رشید زاده<sup>۱</sup>، شقایق شهامت دوست<sup>۲</sup>

۱- استاد یار دانشگاه آزاد تهران جنوب

۲- دانشجوی دکترای شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

### چکیده

در سال های اخیر هم زمان با از دست رفتن کارایی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهر، بحران های شهری با مطالبات شهروندی رخ نشان می دهند که در پی آن اعتراضاتی در جای جای جهان شکل میگیرد و این اعتراضات ریشه در حق به شهر و حق شهروندی دارد و این موضوع موجب نمودی از حق به شهر در شهرهای امروزی را میگردد و در پی آن و در چند دهه اخیر به ویژه پس از نظریه شهر گشوده سنت این موضوع روند تکاملی یافت. حق به شهر و شهرگشوده ابزار مفهومی مناسبی را برای نقد وضع موجود شهرها فراهم می آورد. موضوع حق به شهر و شهر باز هم موضوع شهر موجود است، شهری که هست و هم موضوع شهر مطلوب، شهری که باید باشد. مقاله حاضر به این مفهوم میپردازد که این دو رویکرد بر مبنای چه خواستگاه و ضرورتی ارائه شده و کاربرد ها و ابعاد نظری آن به چه شکل است. نکته اشتراک این دو رویکرد بر این اساس است که سنت و لوفور بر این باور هستند که انباشت سرمایه در جوامع سرمایه داری معاصر، از طریق شهری شدن اتفاق می افتد و هم زمان نظارت بر و مراقبت از شهر و شهروندان گرفته و منافع حاصل از شهری شدن به نفع سرمایه (دولتی یا خصوصی) مصادره می شود. حق به شهر به طور عام درصدد پس گرفتن نظارت بر و مراقبت از شهر و استفاده از منافع شهری شدن سرمایه است و شهر گشوده در پی از بین بردن شکاف های اجتماعی و طبقاتی و فرهنگی و نیز بی عدالتی ها در پی ساختارهای کالبدی و سیاسی و اجتماعیست. امروزه حق به شهر و شهر گشوده موضوع جنبش های اجتماعی و اصلاحات قانونی بسیاری در سراسر جهان شده است که به چند تجربه عملی در این زمینه نیز اشاره می شود. تجاربی که نشان می دهد حق به شهر و شهر باز خواسته ای مدنی و قانونی است. از این رو شاید بتوان گفت که برخی شکست های برنامه ریزی شهری در ایران به دلیل نشناختن اهداف حق به شهر و شهر باز است. در پی بازخوانی متن هانری لوفور و سنت از رویکردهایشان در این نوشتار مطرح میگردد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

کلمات کلیدی: سنت و لوفور، شهر باز، حق به شهر، سرمایه داری، بی عدالتی

## ۱. بیان مسئله

سرمایه‌داری در بطن خود به خصوصیات متناقض دامن می‌زند و نمی‌تواند راه پویایی جوامع و مطالبات اجتماعی را سد کند و خواسته‌های ساکنان و شهروندان شهر برای دستیابی مسکن شایسته و غذا، سکونت مطلوب نمی‌تواند بی پاسخ بماند؛ چنین مطالعه‌ای در کنار تناقضات درونی به ناچار راه به نوع دیگری از شهر و فضای شهری می‌گشاید و فضایی که در آن ارزش استفاده خود را به ارزش مبادله تحمیل می‌کند مانند انقلاب‌ها و اعتراض‌ها و کنش‌هایی که شرح زمینه را فراهم آورده است شهر در ذات خود واجد امکانات نهایی بخش است امکاناتی خارج از سیطره ایدئولوژی فروکاهنده سرمایه داری که خود را، چه در جنبش‌های اعتراضی و چه در زندگی روزمره شهری به نمایش می‌گذارند. در سال‌های اخیر نیز نمونه‌های بسیاری از مقاومت‌های شهری رخ داده‌اند نظیر جنبش تسخیر وال استریت یا جنبش ۹۹ درصدی‌ها جنبش مصری‌ها و تسخیر میدان جنبش مردم استانبول در میدان تقسیم علیه تغییرات شهری غیردموکراتیک جنبش مردم اسپانیا و تصویر میدان خورشید مقاومت یونانی در مقابل سیاست‌های ریاضت اقتصادی و غیره. در همه جنبش‌های تسخیر از این دست چیز مشترکی می‌توانید مقاومت در مقابل پیشروی نولیبرالیسم این متاخرترین و خشن‌ترین تجلی سرمایه‌داری که بیش از هر چیز دیگری در کالایی کردن فضای شهری و محروم کردن ساکنان آن از حقوق اولیه تجلی کرده است که برخی حتی به منشور حقوق بشر نیز آمده است.

انگاره حقوق بشر از درون یکی از همین جنبش‌های اعتراضی و مقاوم که زاده شد مفهوم حق به شهر را نخستین بار هانری لوفور صورت بندی کرد. او در سال ۱۹۶۸ مقاله‌ای با عنوان حقوق بشر هر نوشته در مجموعه‌ای به نام نوشته‌هایی در باب شهر در ۱۹۹۶ به انگلیسی برگردانده شد دانشجویان در سال ۱۹۶۷ در شهرهایی مانند پاریس بروکلی یا پراک و غیره خواستار تغییرات عمیق در مفهوم زندگی مدنی در ارتباطات اجتماعی شدند هر شهر را به صحنه نمایشی از خیزش‌های انقلابی تبدیل کردند بی‌شک جنبش‌های اجتماعی به ویژه جنبش دانشجویی پاریس ترتیبی دوجانبه بر هم داشتند. نظرهای که در رابطه با دموکراسی شهری ارائه می‌شود نظریه شهر گشاده یا اپن سیتی است که چارچوب‌های مشترکی در ابعاد موضوعات و محورهایی که حقی که شهر بر شهروندان دارند وجود دارد در نوشتار حاضر تلاش بر این است تا ضرورت و اهمیت و چارچوب‌های اشتراکی دو مفهوم حق به شهر و نیز شهر گشوده بیان گردد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

## ۲. مفهوم و نظریات مرتبط به حق به شهر و حق شهروندی

تعریف مفهوم شهروند و حقوق شهروندی نسبت به ایدئولوژی های گوناگون و روند تاریخی به متفاوت و همواره در حال تغییر بوده است از طرف لیبرال دموکراسی گرفته تا توصیف تئوری انتقادی از شهروند این مسئله همواره مورد بحث و تکمیل و اصلاح است در وسیعترین معنی مفهوم شهروندی حقوق و وظایف و عضویت در یک اجتماع سیاسی را شامل می شود. (Purcell, 2013:16) بسیاری از فلسفه، مفهوم شهروندی را به عنوان یک وظیفه مطرح می کنند. (Kant, 2000:56) به طور کلی امروز تعریف مفهوم شهروندی و اعطای حقوق گوناگون مدنی اجتماعی و سیاسی به شهروندان برپایه انگاره عضویت در دولت ملت متکی به نظام لیبرال و به طور کلی کاپیتالیسم مورد پرسش قرار گرفته و در کنار این انگاره مفهوم شهروندی و اساس نظریات ای نوین در حال بازتری شدن است این نظریات مفهوم شهروندی را در مقیاس شهری و با پیشفرض عضویت در باهمستان های شهری در نظر می گیرند. (Appadurai, 1996, Purcell & Miraftab, 2012:24)

هانری لوفور نظریه پرداز اصلی مفهوم حق بشر برخلاف بسیاری از ایدئولوژی های مرتبط با مفهوم شهروندی شهروند رسمی را تنها به عنوان عضوی از یک اجتماع سیاسی در نظر نمی گرفت نظریات لوفور را مرتبط با تئوری شهری انتقادی می دانند این تئوری به طور غالب با فرم های دانش شهریه بازار محور هم سالارانه تخصص گرا در فرم های نئولیبرال علوم سیاسی در تضاد است. هدف نهایی از تئوری های شهری انتقالی به اجرا درآوردن مطالبه حق به شهر است و در این راه فقط به دنبال نشان دادن نکات منفی نیست بلکه به صورت انتقادی امکان تغییر در بخش های اشتباهی که به اصلاح نیاز دارند را مشخص می کنند. (Brenner et al, 2012:134) از دیگر نظریه پردازان شاخص این حوزه می توان به دیوید هاروی، دومن میشل، آلیسون براون، آنالی کریستیانسن، و مارک پرسل اشاره کرد. لازم به ذکر است که دیدگاه این نوشتار به دنبال پیروی از منش سیاسی نظر پردازان این حوزه همچون ایدئولوژی مارکسیسم نیست در کسر بر این دارد تا مفاهیم مرتبط با مسئله حقوق بشر در طراحی و برنامه ریزی شهری از این نظریات اقتباس شود.

بنز مارکوزه، برنر و مه یار، حق به شهر مطالبه های اخلاقی بر پایه اصول بنیادین عدالت شهری است که علاوه بر یک فرآیند فضایی یک مطالبه کانونی است و به صورت مجموعه ای از حقوق جمعی مطرح می شود نه فقط حق به اطلاع یافتن و شفافیت در حکمروایی نه فقط حق دسترسی به خدمات برگه حق به کلیتی که در آن بخش جزئی از یک مجموعه منفرد است مجموعه ای که در آن حق مشخصی مطالبه می شود. به نقل از دیوان اما تو حق به شهر یک مفهوم است که آزادی کامل برای همه شهروندان و ساکنان شهری، جهت دستیابی به



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

مزیت های حیات و مشارکت در تکامل آن قائل است نگرشی مبنی بر حقوق که دستاوردهای توسعه را توزیع و مشارکت در توسعه را تضمین می کند. (Iwamoto, 2008:54)

جدول ۱: حقوق شهروندان به شهر از منظر نظریه پردازان حوزه تئوری حق به شهر

| منابع   | حقوق شهروندان به شهر از منظر نظریه پردازان   | نظریه پردازان                  |
|---|--|--------------------------------|
| (Lefebvre, 1996; 2002)<br>(Brenner, Marcuse & Mayer, 2012)<br>(Purcell, 2002; 2003) | حق به اختصاص دادن فضای شهری و استفاده از آن / حق به مشارکت <sup>۱</sup> در تولید و بازتولید فضای شهری / حق به سکونت شهری <sup>۲</sup> / حق به اطلاع یافتن، یادگیری و آموزش / حق به استفاده از خدمات گوناگون شهری / حق به گذران اوقات فراغت / حق به کار / حق به سلامت / حق به استفاده از مکان‌ها برای ملاقات، تعامل و مبادله / حق به شفافیت در حکمروایی شهری. | هائری لوفور                    |
| (هاروی و مریفلد، ۱۳۹۲)<br>(Harvey, 2003)  | حق به حیات شهری برای همه شهروندان / حق به مشارکت شهروندی / حق به هدایت برابر / حق به استفاده از فضاهای عمومی و خصوصی شهری  | دیوید هاروی                    |
| (Mitchel, 2003)   | حق به انجام فعالیت‌های خلاقانه / حق به اطلاع یافتن و آگاه شدن / حق به نمادسازی، خیال‌پردازی و تفریح کردن / حق به آزادی / حق به فردیت در عین اجتماعی شدن / حق به زیستن و سکونت داشتن  | دون میشل                       |
| (Brown & Kristiansen, 2009)   | حق به تغییر و دوبارسازی شهری / حق به تعریف نیازها و احتیاجات شهروندی / حق به دسترسی برابر به امتیازات شهری / حق به مشمولیت اجتماعی / حق به تجدید ارتباطات اجتماعی  | آلسون براون و آنالی کریستیانسن |
| (Purcell, 2003)   | حق به اختصاص دادن فضای شهری جهانی و استفاده از آن / حق به مشارکت در تولید و بازتولید فضای شهری جهانی / حق به مشمولیت اجتماعی در شهر جهانی / حق به استفاده از خدمات شهری برای همه کاربران شهر جهانی   | مارک پورسل                     |

ماخذ: زارعی، ۱۳۹۸: ۴

## ۳. ضرورت و کاربردهای حق به شهر

حق به شهر که یکی از جنجالی ترین و شناخته شده ترین مفاهیم مطرح شده توسط هنری لوفور است و در کتابی با همین عنوان مطرح شده است، در سال 1967 درست یک سال بعد از خیزش جنبش های اجتماعی-سیاسی در اروپا و آمریکا به چاپ رسید. این کتاب که درست یک قرن پس از کتاب سرمایه ی کارل مارکس به چاپ رسید، از نظر اهمیت و موضوعیت آن در تحلیل مسائل اجتماعی و نیز شهری، به



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

منزله ی بزرگداشت و امتداد این اثر محسوب می شود. لوفور حق به شهر را « درخواست برای دسترسی تحول یافته به زندگی شهری» می داند.

در بیانی دیگر هاروی مفهوم حق به شهر لوفور را این گونه توضیح می دهد:

« این حق بیش از آن که فردی باشد اشتراکی است، چرا که این تغییرات نیازمند یک قدرت جمعی برای باز شکل دهی به فرایند شهری است. آزادی و بازسازی شهر و نیز خودمان، به نظر من یکی از ارزشمند ترین حقوق بشری است که بسیار مورد بی اعتنایی قرار گرفته است هاروی، در تحلیلی دیگر از حق به شهر به عنوان یکی از پیش نیازهای اساسی برای شکل گیری خودآگاهی و کنش، این حق را " بسیار فراتر از آزادی فردی در دسترسی به امکانات شهری" میداند. (روحی، ۱۳۹۲: ۲۴)

پرسش مهمی که ذهن لوفور را به خود مشغول داشته، این است که ریشه حق به شهر کجاست؟ لوفور حق به شهر را به عنوان جدالی برای بیگانگی-زدایی فضای شهری و برای بازیگراچه سازی در شبکه ارتباطات اجتماعی میبیند. او درباره این بیگانگیزدائی از تصاحب و تملک صحبت میکند. ایده او درباره حق به شهر شامل تصاحب کردن فضا در شهر توسط ساکنان است. حقوق مالکیت برای لوفور، سلب مالکیت فضای شهری است. آنها آنچه را که متعلق به ساکنان یک اجتماع است می گیرند و آن را از صاحبان مالکیت غصب می کنند، از کسانی که زمین را خریده اند. تصاحب بنابراین به این معنی یک حق است که استفادهکنندگان حق طبیعی به فضای شهر دارند. بهدرستی این حق برای آنها است. (پورسل، ۱۳۹۳: ۴۴)

در حق به شهر، هنری لوفور این مسئله را مطرح می کند طراحان و برنامه ریزان شهری نمی توانند پراکسیس را طراحی کنند، اما می توانند فضاهای مناسب آن را ایجاد کنند و راه را برای انجام آن هموار کنند. (رهبری، ۱۳۹۳: ۱۴) به نظر لوفور، در زندگی روزمره ی مدرن مردم تبدیل به چرخ سرمایه داری شده اند. شهر باید برای همه ی مردم راهی را باز کند که امکانی را برای ساختن محیط هایی برای خودشان داشته باشند. انسان ها به اعتقاد لوفور تنها با کار کردن و به دست آوردن پول کافی برای شرکت در چرخه ی سرمایه داری راضی نمی شوند، چرا که نیازمند چرخه های دیگری مانند بازی، خلاقیت، تجربه، آموزش، ورزش، و... هستند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

پس ضرورت توجه به چిستی و کاربرد حق به شهر از آنجا نشات ميگيرد که، شهرهای ما نیاز به کار و تفريح را تا حدی تامین می کند، اما نیاز به زندگی اجتماعی و انسان شناختی، به عنوان یکی از اساسی ترین و پایه ای ترین ضرورت های زیستیدر شهر، تامین نشده است. از این رو لوفور در میان فضاهای عمومی و خصوصی تاکید خود را بر فضای عمومی و نتیجه اثر آن قرار می دهد. اثر همان تولید خلاقانه و همین طور زمینه ای برای خود آگاهی و زندگی روزمره ی ساکنان شهر است. او حق خود را بر توجه خود بر حقوق انسان ها به مشارکت در فضای شهری و استفاده از آنها قرار می دهد. (lefebver,1996: 54)

اندیشه لوفور فراهم آورنده ی یک بازاندیشی رادیکال از اهداف، تعریف و محتوای اجتماعات سیاسی است. لوفور برای تعریف تعلق به یک اجتماع سیاسی از شهروندی رسمی استفاده نمی کند بلکه از یک مفهوم هنجاری تحت عنوان سکونت استفاده می کند. افرادی که در شهر زندگی می کنند نسبت به آن حق دارند. حق به شهر برای تمام افراد وجود دارد چه شهروند رسمی باشند و چه غریبه و غیر رسمی. او دو مؤلفه را در حق شهری بازمی شناسد:

-حق اختصاص دادن به خود: حق استفاده ی کامل از فضای شهری در زندگی روزمره، حق زندگی کردن، بازی کردن، کار کردن، و به خود اختصاص دادن و... امروزه شهرهای ما نیاز به کار و تفريح را تا حدی تامین می کند، اما نیاز به زندگی اجتماعی و انسان شناختی، به عنوان یکی از اساسی ترین و پایه ای ترین ضرورت های زیستی در شهر، آنچنان که باید تامین نشده است.

-حق مشارکت: حق این که ساکنان شهر در تصمیم گیری های مربوط به فضاهای شهری در هر سطحی از تصمیم گیری که باشد، دخیل باشند (Fenster,2015:45). ایده مشارکت لوفور در میان شهروندان فعال شده تنها یک ظهور دستور کار وسیعتر خود-ادارهگری است. در این راه، حق به شهر بهطور شفاف هم مرز با خود ادارهگری است.

هنری لوفور نگاهی رادیکال برای شهر و همچنین برای دستیابی به ضرورت های زیستی در شهر ارائه می کند، که در آن استفاده کنندگان فراتر از کنترل دولت و نظام سرمایه داری، خودشان فضای شهری را اداره می کنند. اگرچه در حالی که این موضوع نیاز به تغییر اساسی دارد، دیدگاه لوفور می توان گفت، عملی است. این ایده می تواند برای تغییر شهر امروزی از فضاهای تسخیر شده و تحت سلطه ی نیروهای سرکوبگر به عرصه ای برای عمل و کنش شهروندی، به خدمت گرفته شود. (پورسل، ۱۳۹۳: ۲۹)



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

## ۴. ضرورت ها و کاربردهای شهر گشوده از نقطه نظر سنت

سنت که جزو اولین نظریه پردازان شهر باز است، شهر را به دو دسته شهر بسته و شهر گشوده (شهر باز) تقسیم بندی نموده است. که در شهر بسته بیان میدارد که خواهان زندگی در شهرهای هستیم که پاکیزه، ایمن، دارای خدمات عمومی کارآمد و... بوده که در روال زندگی امروزه ما این موضوع برقرار نیست و این ضعف یک مسأله بسیار مدرن است چرا که هنر طراحی شهرها در میانه قرن بیستم بود که به شکل چشمگیری رو به افول نهاد. در اینجا تناقضی نهفته است: چرا که طراح شهریِ امروزی انبوهی از ابزارهای فناوری-محور - از نورپردازی گرفته تا پل و تونل زنی تا مصالح پیشرفته ساختمانی - را در اختیار دارد که شهرسازانِ همین صد سال پیش حتی قادر به تصور آنها نبودند: امروز ما منابع و ابزارهای بیشتری داریم، اما خلاقیت کمتری در به کارگیری آنها به خرج می دهیم. منشأ این تناقض یک خطای بزرگ است و آن چیزی نیست جز تعیین و تحدیدِ بیش از حد، چه در فرم بصری شهر و چه در کارکردهای آن (Sennette, 2006:56)

اما در رابطه با سیستم های شهر گشوده یا باز بیان میدارد که این ایده منشایی از افکار جیکوبز دارد و میکوشد تا رابطه ای میان تراکم و مکان های شهری بیابد و معتقد است که هنرهای از دل پر جمعیتی و شلوغی در فضاهای شهری زاده میشود وی با پیروی از نظریات جیکوبز در پی تعریف استراتژیهای خاصی برای توسعه شهری است که پس از آزادی شهر از یوغ تعادل و یکپارچه سازی به کار گرفته شوند - مانند تشویق به ایجاد تغییرات در ساختمانهای موجود یا ساخت و سازهای جدید سریع و ارزان و گاه غریب و بهره گیری از فضاهای عمومی ای که در ظاهر با هم جور نیستند، همچون برپا کردن خدمات عمومی نظیر آسایگاه ها در میدانگاه های عمومی. شهر گشوده شهری است چون ناپل و شهر بسته چون فرانکفورت است. (Sennet, 2007)

وی در ادامه به معرفی سه مولفه سیستماتیک یک شهر گشوده میپردازد:

### (۱) قلمروهای قابل عبور

دو مبحث اساسی در ای مورد را بیان میدارد: اول عبور کردن راه اصلی شناختن یک شهر است و دوم طراحی را با دیوارها آغاز میکند که ظاهر ساختارهایی برای سد راه و جلوگیری از عبورند و سپس کارکردهای دیوار را مانند لبه های قلمروی شهری تشریح میکند.



## ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

(۲) شکل ناکامل

وی در ادامه بحث در مورد دیوارها و مرزها بیان میدارد که به طور منطقی به ویژگی دیگر سیستماتیک شهر گشوده می‌رساند: شکل ناکامل. ناکامل بودن در نگاه نخست به نظر دشمن ساختارمندی می‌نماید، اما چنین نیست. طراح باید شکلهای فیزیکی ویژه ای بیافریند که به شکلی خاص "ناکامل" باشند.

ناکامل بودن فرم مفهومی است که خودِ ساختمانها و بافتِ پیرامونشان را نیز در بر می‌گیرد. در رُم باستان، پانتئون ساخته هادریانوس دوشادوشِ ساختمانهایی نامتمایزتر و ناشناستر بود که پانتئون را در محاصره گرفته بودند - و این به رغم تلاش معمارانی بود که پانتئون را برای متمایز بودن و ارجاع به خودش طراحی کرده بودند. دوشادوشی مشابهی را در بسیاری دیگر از آثار معماری می‌توان دید: کلیسای جامع سنت پل در لندن، مرکز راکفیلر در نیویورک، مزون عرب در پاریس - همگی کارهای بزرگی از معماری اند که محرکی برای ساخت و ساز در اطراف خود محسوب می‌شوند. این ویژگی محرک بودنِ ساختمانهاست که اهمیت بیشتری از کم کیفیت تر بودنِ ساختمانها در طراحی شهری دارد: موجودیت یک ساختمان در شکل و جایی خاص که موجب رشدِ ساختمانهای دیگر در اطراف خود شود.

(۳) روایت‌های توسعه

وی هدفِ کارش را بیش از هر چیز دیگر شکل دادنِ روایت‌های توسعه شهری میدانند. بدین معنی که تمرکز بر روی مراحل دارد که طی آنها هر پروژه به تدریج شکل نهایی خود را می‌یابد. به طور اختصاصی، وی می‌کوشد بفهمد کدام مؤلفه‌ها باید نخست رخ دهند و از پس این حرکتِ نخستین چه پیامدهایی را شاهد خواهد بود. سرمایه داری دولتی و سوسیالیسم دولتی، هیچ یک رشد را، به مفهومی که داروین در جهان طبیعی درک کرده بود، نپذیرفتند: در جهان طبیعی، چنین محیط‌هایی هستند که تعامل بین ارگان‌های با کارکردها و توانایی‌های گوناگون را ممکن می‌سازند.





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

(۴) فضای دموکراتیک

هرگاه یک شهر به شکل سیستمی باز عمل کند و اصول قلمروهای منفذدار، غیر قطعی بودنِ روایی و شکل ناکامل در آن رعایت گردد، نه در معنای حقوقی بلکه به عنوان یک تجربه فیزیکی، دموکراتیک خواهد شد. در گذشته اندیشه دموکراتیک بر محور امور رسمی مربوط به اداره جامعه می چرخید، امروز تمرکز آن روی شهروندی و امور مربوط به مشارکت قرار گرفته است.

مشارکت امری است به غایت مرتبط با شهر فیزیکی و طرح آن. به عنوان مثال، در شهر باستانپیشان، آتنی ها کاربردی سیاسی برای سالن تئاتر نیمدایره شکلشان یافته بودند - این فرم معماری، آکوستیک مناسب و دیدی بدون مانع از سخنرانان در مناظرات را فراهم می کرد و شنیدن و درک پاسخ دیگران در حین مناظره را ممکن می ساخت.

و در نهایت بیان میدارد که دشواری پیش روی شهرهای امروزی، ایجاد حس پیوند میان بیگانگان در فضاهایی است که کمتر تشریفاتی و کمتر مرتبط با مراسمها هستند. این دشواری در طراحی فضاهای عمومی در بیمارستانها، مدرسه های شهری، مجتمعهای بزرگ اداری، پروژه های نوسازی خیابانهای تجاری، و به ویژه در مکانهایی که امور دولتی در آنها انجام می گیرند، مشهود است. (Sennet,2006:30)

## ۵. پیوند میان حق به شهر و شهر گشوده در عدالت خواهی شهری

آیریس یانگ، محقق حوزه شهروندی در نظریاتش به ارتباط میان حق و عدالت می پردازد او با ساختار زدایی فرضیه وحدت حق و عدالت معتقد است که سیاست های رفاهی فردگرایانه دولتی متکی بر حقوق فردی در زمینه عدالت گستری کارساز نیست و باید فرم های حقوقی مبتنی بر گروه های اجتماعی خود اتکا جایگزین آن شود. (Miraftab,2012:56) حق بیشتر گونه ای از این فرم های جمعی، این مفهوم در نهایت به دنبال مطالبه عدالت است اما بیش از اینکه به مطالبه عدالت فردی بپردازد مطالبه عدالت جمعی و اجتماعی را پیگیری می کند و از نظر حقوقی ماهیتی اجتماعی دارد. حقوق بشر تنها مفهومی قانونی از حق داشتن منافع ای خاص نیست بلکه یک حق در یک مفهوم سیاسی اجتماعی است این مفهوم همچنین به عنوان مجموعه ای از حقوق برای رسیدن به عدالت در سیستم قانونی موجود نیست بلکه مطالبه حقیقی است استوار بر یک برنامه اخلاقی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

که به دنبال بازشناسی سیستمی بهتر است سیستمی که در آن منافع به گفته یک زندگی شهری به طور کامل می شود. (brenner et al,2016:12)

همان طور که بیان شد مفهوم حق به شهر با مفهوم عدالت شهری رابطه تنگاتنگ دارد و از نظر اهداف در رابطه با عدالت شهری بخشی از مفاهیم شهر وجود را در بر می گیرد در این مورد این موضوع بسیاری از محققان به ارائه نظریاتی پرداختند برخی مفهوم عدالت و برخی مفهوم ساختارهای شهری و برخی دیگر مفهوم حقوق بشر را بر اساس مسائل مرتبط با روابط منتج از قدرت برخی بر اساس مفاهیم مربوط به عقلانیت ارتباطی هابرماس و برخی بر مبنای مسائل اجتماعی سنت و برخی بر مبنای اصول مرتبط با روابط فضایی و بیان میکنند.

جدول ۲: بررسی چارچوب های کلیدی پیوند میان حق به شهر، شهر گشوده و عدالت شهری

| منبع                | نکات کلیدی  | ماهیت نظریه                    | نظریه پرداز |
|---------------------|---|--------------------------------|-------------|
| Sennett,2006        | دسترسی به شهری پاکیزه و ایمن، برخورداری از خدمات عمومی کار آمد، با اقتصادی پویا و با پشتیبانی از محرک های فرهنگی در ابعاد گوناگون و نیز ارائه کنش هایی در راستای التیام شکاف های نژادی، طبقاتی و قومیتی                       | عدالت فضایی در کارکردهای عمومی | ریچارد سنت  |
| Harvey,2009         | نقی جنبه های ایده آلیستی حقوق و عدالت/ حق هدایت برابر/ حفظ حقوق شهروندان کم در آمد/ تساوی در تخصیص و بهره وری از فضاهای عمومی و خصوصی برای تمامی استفاده کنندگان شهری/ لزوم تفهیم عدالت اجتماعی و شهرسازی در ارتباط با یکدیگر | عدالت اجتماعی و عدالت شهری     | دیوید هاروی |
| Mitchel,2003        | فضاهای باز عمومی به عنوان غرضه ای برای تحقق عدالت شهری و دموکراسی شهری  | حق به شهر و عدالت شهری         | دون میشل    |
| Griffin et al,2015  | تاکید بر ده اصل انصاف، انتخاب، دسترسی، مالکیت، ارتباط، تنوع، مشارکت، مشمولیت، تعلق، زیبایی و نوآوری خلافتانه به عنوان اصول بهبود بخش عدالت شهری   | عدالت شهری                     | تونی گرین   |
| Henri Lefebvre,1996 | تاکید به دسترسی، برابری، آزادی و استفاده از مکان های عمومی و همگانی شهر، بهره گیری از امکانات و خدمات شهری، استفاده از ابعاد مختلف شهری با تکیه بر مولفه های عدالت محور و حق به زیستن   | حق به شهر                      | هنری لوفور  |

ماخذ: حیدری، ۱۳۹۸، نگارنده، ۱۳۹۹



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

## ۶. نتیجه گیری

در دهه گذشته و حتی پیش از آن حقوق بشر و شهر گشوده شعار اصلی جنبش‌های بوده که در مقابل کالایی شدن فضای شهر ایستادگی کردند و انگارهای که هانری لوفور و ریچارد سنت الهم‌بخش آن بودند محرک جنبش‌های اجتماعی سیاسی و اقتصادی و اصلاحات قانونی و بحث و جدل‌های بسیاری شد. هر دو نظریه پرداز برای درک و تحلیل این اتفاق مهم بر نظریه سرشاری در اختیار قرار دادند ابزار مفهومی فضای انتزاعی در مقابل فضای اجتماعی سیاسی و اقتصادی ما را قادر می‌سازد که به منازعه بر سر فضا و نقش کنشگران در استفاده از فضا برای کنترل اجتماعی سیاسی و اقتصادی را بهتر درک کنیم ظاهری که معرف عقلانیت ابزاری سرمایه داری است فضایی گسیخته در عین حال یکپارچه و از همه مهمتر کالایی شده است فضای انتزاعی را سرمایه دارها و دیوانسالاری دولتی شکل می‌دهند و از آن بهره می‌برند کسانی که کیفیت انتزاعی فضا (چه از نقطه نظر کالبدی، چه ساختاری و چه تراکم) در تحصیل سود سرشاری را باور دارند اما فضای اجتماعی فضای زندگی هر روز است مکانی برای زندگی که آن را خانه می‌نامیم طرح‌هایی که دیوانسالاری دولتی و کنشگران شهری در فضای انتزاعی در می‌اندازد نظیر ایجاد بزرگراه‌ها نوسازی محلات قدیمی و دستکاری در حیات اجتماعی خیابان‌ها و برای استفاده از حضور در پیش گرفتند تضاد دارد. این تضاد در جوامع مدرن به صورت درونی شده است و همه آن را به عنوان طبیعی پذیرفتن هم بر جدایی پذیری روابط اجتماعی و فضای هم بر روابط رابطه درونی قدرت و فضا در شهر دلالت دارد و بر چالشی تاکید می‌کند که سرنوشت حیاتی اجتماعی و مدنی شهر را رقم می‌زند.

توجه به روابط اجتماعی فضایی مثلاً توجه به تضادهایی که کاربری اراضی و برنامه‌ریزی برای آن به وجود می‌آورد یا بی عدالتی‌های فضایی یا تغییرات اجتماعی که در آن روشن می‌نماید گروه‌های استفاده‌کنندگان است و مانند نخبگان سیاسی و اقتصادی و منافع صاحبان بورس زمین و مستغلات برنامه ریزی کاربری اراضی را به سمتی هدایت می‌کند که از بازتولید سود و بازتولید روابط اجتماعی سرمایه داری مطمئن شود اما برخلاف تصویری که از فضای همین سرمایه‌داری ساخته شده است این فضا نمی‌تواند در مقابل تضاد هایش بی تفاوت باشد و نمی‌تواند همیشه این تضادها را به نفع سرمایه حل و فصل کند لوفور و سنت در این رابطه اذعان دارند که جامعه خود را کامل نمی‌داند میان ساختارهایی که به شکل‌های مختلف یافته‌اند شکاف‌های وجود دارد. فضاهای تهی بی دلیل نیستند آنها فضاهایی امکان هستند آنها حاوی عناصر معلوم و پراکنده هستند اما قدرتی باید باشد تا آنها را مجموع آورد چنین مکان‌هایی تنها به شکل دگردیسی تندرانه امکان تحقق دارند در ادامه



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

| نظریه     | ضرورت و خواستگاه نظری  | کاربرد   | پیوند آن با فضا و اخلاق   | شباهت ها                                      | تفاوت ها  |
|-----------|--|--|---|---|---|
| شهر گشوده | بر طرف نمودن خلل موجود در ساختارهای اجتماعی-سیاسی شهرها          | -اصلاح شکاف های فرهنگی<br>-تلاش در کاهش جنبه های فقر<br>کاهش شکاف های اقتصادی موجود<br>-بررسی ابعاد سیاسی-اجتماعی و..... | همراستایی فضا و ساختارهای آن برای اقشار آسیب پذیر   | توجه به بنیان های اجتماعی و خلل موجود در آنها | نگاه کالبدی-سیاسی و اقتصادی و اجتماعی با رویکردهای ساختاری به شهر |
| حق به شهر | شروع جنبش های اعتراضی برنظام سرمایه داری و نادیده گرفتن حق افراد | -توجه به حقوق شهروندی<br>-توجه به عدالت اجتماعی در فضاهای شهری<br>-نگاه ویژه به بنیان های اجتماعی و ساختارهای عدالت      | جذب نظام سرمایه داری در مناطق کمتر توسعه یافته و ارتقا سطح مناطق متعلق به اقشار آسیب پذیر |   | نگاه اجتماعی-اقتصادی(در غالب نظام سرمایه داری)                    |

برای درک بهتر دو رویکرد مد نظر پژوهش حاضر به بررسی چارچوب های گوناگون آن در جدول ۳ پرداخته می شود:



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

|  |  |  |            |                           |  |
|--|--|--|------------|---------------------------|--|
|  |  |  | محور جامعه | در ساختارهای<br>نظام شهری |  |
|--|--|--|------------|---------------------------|--|

جدول ۳: بررسی مشخصات دو نظریه حق به شهر و شهر گشوده

ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۹

در ایران درخواست برای فضاهای شهری منطبق بر نیازهای مدنی شهروندان در زیست روزمره شهر به وضوح دیده می شود فضاهای خود گردانی که سلطه عرصه دولتی می گریزند، تلاش ساکنان محله های فقیر نشین و سکونتگاه های غیررسمی برای ارتقاء کیفیت محیطی که منظر مداخله نهادهای رسمی دولت نمی نشینند، ظهور انجمن های مردم نهاد که هر یک سر درد برای بخشی از فضاهای زیستی و زیستی شهر راه حلی بیابند - سازمان حمایت از کودکان کار تا ایمن سازی محیط برای آسیب پذیری زنان - نمونه ای از این خواسته ها هستند خاستگاه هایی که گاه در خیابان های شهری نیز متجلی می شود حقوق بشر بیش از هر زمان دیگر برای شهر ایرانی ضروری است روند کنونی نمی تواند بیش از این ادامه پیدا کند. هم اکنون تهران در کنار شهرهایی چون داکا و نیومکزیکو به سیاهچال تبدیل شده است به این معنا که بخش بزرگی از سرمایه ملی را می بلعد ولی در محله حتی از فراهم آوردن زیست مطلوب برای ساکنان خودش نیز ناتوان است چه رسد به اینکه بخواید با شهرهای جهانی رقابت کند و سرمایه های بین الملل را جذب نماید

توجه به حقوق بشر در ایران برای مقابله با کژ کارکردی ی ضرورت تام دارد با توجه به اهمیت در حال ظهور آن در گفتمان های مدنی دانشگاهی و تخصصی درباره شهر لازم است. هنگام ارجاع به حقوق بشر در کشور ما عمده آثار دیوید هاروی مدنظر قرار می گیرد حال آنکه لازم است دیدگاه های لوفور به عنوان کسی که نخستین بار به این مفهوم پرداخته است با موشکافی بیشتری بررسی شود در بخش دیگر و در راستای تکمیل حق به شهر نیاز است که رویکردهای شهر گشوده سنت نیز مورد مطالعه قرار گیرد رویکردهایی که اغلب در راستای اقشار آسیب پذیر تدوین شده است از جمله می توان به رویکردهای مطالعات اجتماعی که به بررسی شکاف های نژادی و طبقاتی و قومیتی و یا در رابطه با بی عدالتی فضایی یا عدم تطابق فضاهای جمعی برای اقشار آسیب پذیر اشاره نمود بیان این نکته نیز حائز اهمیت است که اغلب رویکردهای لفور بر اساس ساختارهای اجتماعی بررسی می گردد ولی رویکردهای سنت و نظریه شهر گشوده آن بر اساس ساختارهای کالبدی سیاسی اقتصادی و در کنار یکدیگر و همراستا با هم مورد بررسی قرار می گیرد و چهار رویکرد اصلی آن یعنی قلمروهای قابل عبور، شکل ناکامل شهری، فضای دموکراتیک، روایتهای توسعه در فضاهای شهری ایران بررسی شده و راهکارهای آن بنا به نوع ساختار فرهنگی، اجتماعی و قومیتی تعمیم گردد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



## منابع

- هاروی، دیوید و مری فیلد، اندی) ۱۳۹۲(. حق به شهر: ریشه های شهری بحرانهای مالی. ترجمه: خسرو کانتیری. تهران: انتشارات مهرویستا.
- حیدری، فردین، زارعی، مجید، ۱۳۹۸، مفهوم حق به شهر و ارتباط آن با طراحی شهری، مجله منظر شماره ۱۱
- رهبری، لادن؛ شارعیپور، محمود (1393)، جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه لوفور در تهران، مجله جامعه شناسی ایران
- Brenner, N., Marcuse, P., & Mayer, M. )2012(. Cities for people not for profit: critical urban theory and the right to the city. London & New York: Taylor & Francis Group.
- Fainstein, S.S. )2014(. The just city. International Journal of Urban Sciences, 18 )1(: 1-18.
- Iwamoto, W. )2008(. Welcome address. UNESCO 2008: 12-18. • Jacobs, A. & Appleyard, D. )1987(. Toward an urban design manifesto. Journal of the American Planning Association, 53: 112–120.
- Kant, I. )1991(. Kant’s political writings. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Lefebvre, H. )1996(. Writings on cities. Translated and Edited by E. Kofman and E. Lebas. Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Lefebvre, H. )2002(. Critique of everyday life; foundations for a sociology of the everyday. first edition, Translated by John Moore. London: Verso, 2.
- Purcell, M. )2003(. Citizenship and the right to the global city: reimagining the capitalist world order. International Journal of Urban and Regional Research.
- Purcell, M. (2008), *Recapturing Democracy*. New York: Routledge. Purcell, M. (2013). Possible Worlds: Henri Lefebvre and the Right to the City. *JOURNAL OF URBAN AFFAIRS*, 36, 141-154.
- MirafTAB, F. )2012(. Planning and citizenship in Rachel Weber and Randall Crane )eds.(. Oxford Handbook of Urban Planning. Oxford University Press. Chapter 38: 1180-1204.